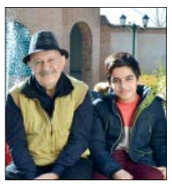
پایان فیلمبرداری «نارگیل»

فیلمبرداری فیلم سینمایی نارگیل با بازی غلامحسین لطفی به پایان رسید.

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، فیلمبرداری فیلم سینمایی نارگیل به تهیه‌کنندگی سید ابراهیم عامریان و کارگردانی سید داوود اطیابی روز شنبه در تهران به پایان رسید.

فیلمنامه این فیلم سینمایی را حمزه صالحی به نگارش درآورده است.

سید ابراهیم عامریان پیش از این تهیه آثاری چون تگزاس و تگزاس ۲ را به عهده داشته است. او همچنین به عنوان تهیه‌کننده، فیلم‌های دینامیت و انفرادی را هم آماده نمایش دارد و نارگیل پنجمین فیلم سینمایی او در مقام تهیه‌کننده است. غلامحسین لطفی، بازیگر نقش اصلی نارگیل، بازی در فیلم‌هایی چون خفه گی، نیش، جیب برها به بهشت نمی‌روند و علی و غول جنگل را در کارنامه دارد. او به عنوان کارگردان هم در سینما فعالیت کرده که ماحصل آن ساخت فیلم‌های سرخ‌پوست‌ها و پاکباخته است.

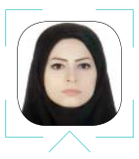


در سومین سالروز فاجعه پلاسکو، سراغ یکی از عوامل فیلم «چهارراه استانبول» رفته و با او گفت‌وگو کرده‌ایم

مردم کار ما را باور کردند



پوستر فیلم «چهارراه استانبول» به کارگردانی مصطفی کیایی



ساناز قنبری

سینما

۳۰ دی ۱۳۹۵ روز تلخی در تاریخ ماست. روزی که ساختمان پلاسکو پس از ۵۴ سال آتش گرفت و آتشی به پا شد که داغ آن همچنان و تا همیشه برای ما زنده است. سینما یکی از اولین مدیوم‌هایی بود که پا به این ماجرا گذاشت و فیلم «چهارراه استانبول» به کارگردانی مصطفی کیایی تنها یک سال بعد از این حادثه در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد. این فیلم البته صرفا درباره پلاسکو نیست، اما قهرمان‌هایش را به نوعی با پلاسکو پیوند می‌زند و همدلی مردم را برمی‌انگیزد. به همین دلیل با آرش آقابیک، طراح جلوه‌های ویژه میدانی این فیلم گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

سال‌ها در زمینه جلوه‌های ویژه در سینما و تلویزیون کار کردید و موفق هم بودید. خودتان فکر می‌کنید در دانشگاه‌ها یا کارگاه‌های آموزشی چقدر به این رشته توجه می‌شود و آموزش‌های آکادمیک در زمینه جلوه‌های ویژه چقدر اصولی و کارآمد است؟

جلوه‌های ویژه میدانی در خارج از کشور به شکل کارگاهی آموزش داده می‌شود. دلیل آن هم گستردگی این حوزه است. هر علمی که شما فکرش را کنید (فیزیک، شیمی و...) در جلوه‌های ویژه میدانی کارآمد است. من خودم سال‌ها دستیار دایی‌ام، عباس شوقی (مسؤول جلوه‌های ویژه میدانی سینما و تلویزیون) بودم و نه تنها به شکل تجربی، بلکه تحقیقات و مطالعات زیادی هم در این زمینه داشتم تا این‌که از سال ۹۰ مستقل شدم.

چهارراه استانبول، فیلمی داستانی است که با نگاهی متفاوت به حادثه آتش‌سوزی ساختمان پلاسکو در تهران می‌پردازد. معیار شما برای جلوه‌های ویژه میدانی این فیلم با این‌همه پیچیدگی که در طراحی داشت، چه بود؟

بین کارگردان و من و کلا بین تمام اجزای فیلم اعم دکوپاژ، دورخوانی، میزانسن و... عملکردی ترکیبی اتفاق افتاد که مخاطبان نتیجه آن را بر پرده سینما دیدند. این را هم بگویم که در چهارراه استانبول، حجم جلوه‌های ویژه رایانه‌ای و صحنه خیلی زیاد بود و ما به صورت مکمل به این دو بخش وارد شدیم. به عبارت دیگر، ما سر صحنه اتودهایی می‌زدیم و دوستان در بخش رایانه چیزهایی به آن اضافه می‌کردند و می‌رسیدند به پلان مدنظرشان.

یعنی بخش اعظم کار با سیستم رایانه‌ای بود؟

نه. ما استوری بورد داشتیم و پلان‌هایمان تعریف شده بود. واقعیت این بود که زمان فیلمبرداری این فیلم دیگر ساختمان پلاسکویی موجود نبود که ما از آن بهره ببریم. بنابراین مجبور بودیم در دکورهایی که بچه‌های صحنه زده بودند بخشی از آتش و دود را به صورت میدانی ایجاد کنیم و بخش دیگر از ساخت این حجم از آتش و دود هم که به عهده گروه جلوه‌های ویژه رایانه‌ای بود. مثلا صحنه‌های ورود آتش‌نشان‌ها به راهروها را دکور زدیم و در کل راهروها به صورت میدانی، ریزش و تخریب و آتش را انجام دادیم.

پیش آمد که بخواهید صحنه یا ساختمانی را بازسازی کنید، اما به دلیل نبود امکانات در نهایت از آن صرف نظر کرده باشید؟

با توجه به هزینه‌ای که قرار است برای یک فیلم انجام شود شاید از بخش کمی از صحنه‌های مدنظر صرف نظر شده باشد. این اتفاق البته ممکن است در خیلی از فیلم‌ها به شکلی وسیع‌تر اتفاق بیفتد.

منابع شما برای مطالعه این حادثه چه بود؟

تحقیقات ما میدانی و وسیع بود. با خیلی از کسانی که این حادثه را از نزدیک دیده‌اند صحبت کردیم و تمام فیلم‌هایی که از این اتفاق در جراید و اخبار پخش شد را با دقت دیدیم. حتی چند نفر از گروه آتش‌نشانی که شما در فیلم می‌بینید دقیقا همان کسانی هستند که به عنوان راهنما در حادثه واقعی به ساختمان ورود کردند. خیلی پیش آمد که وقتی صحنه‌ها را فیلمبرداری می‌کردیم این دوستان یاد خاطراتشان می‌افتادند و منقلب می‌شدند. از خاطره آن روز برای ما تعریف می‌کردند و ما می‌شنیدیم و با هم گریه می‌کردیم.

در نهایت از نظر خود شما، آنچه در فیلم دیدیم چقدر به اصل حادثه نزدیک بود؟

ما با توجه به فیلمنامه جلو رفتیم و واقعیت این است از آنچه بعدا روی پرده دیدیم راضی بودیم.

از نظر تماشاگران چطور؟ با زخوردی داشتید که صحنه‌های این فیلم چقدر از جانب تماشاگران قابل باور شده بود؟

خیلی‌ها آن زمان از ما پرسیدند این سکانس‌ها در زمان وجود ساختمان پلاسکو گرفته شده یا بعد از آن. همین سؤال نشانگر آن است که مردم به قدری صحنه‌های فیلم را طبیعی دیده بودند که فکر می‌کردند فیلمبرداری این فیلم به قبل از آتش‌سوزی برمی‌گردد.

خودتان هیچ‌وقت پلاسکو رفته بودید؟

بله، قبلا برای خرید لباس پلاسکو می‌رفتم. حتی یک هفته قبل از آتش‌سوزی یک عکس انداختم در پارکینگ پروانه که ساختمان پلاسکو در آن دیده می‌شود. خداوند همه کسانی که در این اتفاق جان‌شان را از دست دادند، بیامرزد.

به عنوان کسی که پیگیر سینمای جهان است، به نظرتان چقدر جلوه‌های ویژه ما قابل مقایسه با آنهاست؟

در دنیای امروز همه با گوشی‌های همراهشان با تمام جهان در ارتباط هستند. به نظر من جلوه‌های ویژه در ایران تنها از نظر اقتصادی با جلوه‌های ویژه در دنیا متفاوت است. همین، در غیر این صورت از بعد ایده، خلاقیت، منبع انسانی و... ما هیچ تفاوتی با سراسر دنیا نداریم. جلوه‌های ویژه یک کار پرهزینه است.

حتی در فیلم‌های خیلی مهم ما، وقتی از جلوه‌های ویژه استفاده می‌شود سطح کیفی فیلم کاهش پیدا می‌کند در حالی که بودجه فیلم بالاست و نمی‌توان بهانه کم‌بودن بودجه را آورد! شما ببینید هزینه‌ای که در کشورهای صاحب سینما برای جلوه‌های ویژه می‌شود معادل هزینه ۷۰ جلوه ویژه در فیلم‌های سینمای ایران است. در سینمای ایران، حتی خاطرم هست قبلا اگر قرار بود ماشینی بسوزد می‌گفتند داخل ماشین باید سالم باقی بماند! اینها حرف‌هایی بود که خوشبختانه امروز دیگر زده نمی‌شود.

برای پیشرفت جلوه‌های ویژه در ایران چه راه حلی پیشنهاد می‌کنید؟

راه‌حلش این است که بخش خصوصی وارد میدان عمل شود. چون در این حوزه باید به‌روز بود و به روز بودن نیاز به ابزار و ادوات دارد. به شخصه بخشی از ابزاری که برای کارم مورد استفاده قرار می‌دهم را با هزینه شخصی خریدم و آنها را ایرانیزه کردم.

خب، این برای من نوعی فشار است. چون از آن‌طرف دستمزدی که می‌گیرم به هیچ وجه معادل هزینه‌هایی که برای خرید لوازم کارم می‌کنم، نیست.

آقابیک:
سال‌ها دستیار دایی‌ام، عباس شوقی (مسؤول جلوه‌های ویژه میدانی سینما و تلویزیون) بودم و نه تنها به شکل تجربی، بلکه تحقیقات و مطالعات زیادی هم در این حوزه داشتم تا این‌که از سال ۹۰ به‌صورت مستقل در سینما کار کردم

راش

افتتاح پردیس بهمن



با تکمیل نخستین پروژه طرح توسعه سینماهای حوزه هنری، پردیس بهمن تهران همزمان با آغاز سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر افتتاح خواهد شد.

به گزارش جام جم، پروژه توسعه و تبدیل سینما بهمن تهران به پردیس چهار سالنه، پس از چهار ماه تلاش در آستانه افتتاح قرارگرفته است.

بازسازی این سینمای باسابقه و خاطره‌انگیز شهر تهران، از ابتدای مهر ۹۸ توسط موسسه بهمن سبز حوزه هنری در قالب طرح بزرگ توسعه و ساخت سینما در سراسر کشور آغاز شد و اکنون آماده بهره‌برداری رسمی همزمان با جشنواره فیلم فجر است.

بهمن سبز در این طرح ضمن بازسازی کامل سالن ۲ و تبدیل آن به سالنی کاملا مجهز و مدرن، دو سالن اختصاصی و جدید به مجموع سالن‌های این سینما افزود تا پردیس بهمن تهران با داشتن چهار سالن سینمایی باکیفیت و جمعا ۱۰۵۰ صندلی در جمع پردیس‌های چهارسالنه قرار گیرد.

این سینما که مرکزیت آن در شهر طی سال‌ها آن را به سینمایی در دسترس دانشجویان و سینما دوستان تبدیل کرد، از امروز همزمان با شروع پیش فروش بلیت‌های سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر به عنوان سینمای مردمی این رویداد در دسترس مخاطبان خواهد بود.

سازمان سینمایی حوزه هنری، موسسه فرهنگی تبلیغاتی بهمن سبز و موسسه سینما شهر در این پروژه همکاری داشته‌اند.

ظرفیت سینماهای مردمی جشنواره فجر



معاون اجرایی سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر از اختصاص دادن حدود ۹۵۰۰ صندلی برای مردم علاقه‌مند تماشای فیلم‌های این جشنواره خبر داد.

عزتا... علیزاده درباره پیش‌فروش بلیت‌های جشنواره و ظرفیت در نظر گرفته شده برای مردم به ایسنا گفت: براساس پیش‌بینی انجام شده ظرفیت سینمای مردمی ۱۷ مجموعه با ۳۴ سالن و ۹۵۰۰ صندلی است که این ظرفیت امسال نسبت به سال قبل به اندازه ۲۰۰۰ صندلی بیشتر شده است.

او درباره نمایش مردمی فیلم‌ها در شهرهای دیگر افزود: آنچه اعلام شد فقط مربوط به تهران است و برنامه‌ریزی استان‌ها در خود استان‌ها انجام می‌شود که در ستاد جشنواره هم پیگیری می‌شود.

علیزاده درباره سهم ارگان‌ها و نهادها نیز توضیح داد: امسال ۲۵ درصد ظرفیت بلیت‌ها برای گیشه، بین ۱۵ تا ۱۷ درصد برای ارگان‌ها و باقی برای پیش‌فروش از طریق سایت در اختیار مردم خواهد بود. همچنین یک ردیف هم در سینماها در اختیار صاحبان آثار و سینما قرار می‌گیرد.

علیزاده تاکید کرد: امسال مطابق دوره‌های قبل، فروش بلیت در گیشه را هم داریم و ظرفیت هم بیشتر شده تا مردم کمتر در صف بمانند. ضمن این که بنا به بودن متقاضی، سئانس فوق‌العاده هم دایر خواهد شد.

علاقه‌مندان تهیه بلیت‌های جشنواره می‌توانند از ساعت ۱۲ امروز به سایت www.Fajrticket.ir مراجعه کنند و این فرصت تا ساعت ۱۸ چهارشنبه دوم بهمن‌ماه ادامه خواهد داشت.

پیشتر اعلام شده بود هر شخص مجاز است با کد ملی خود، دو سری بلیت از طریق سامانه پیش‌خرید کند ولی با انتشار سه جدول سینمای ایران ۱، ۲ و ۳ هر شخص می‌تواند چهارسری بلیت یعنی دو جدول کامل تهیه کند.

ایران‌هراسی در مجموعه مشهور ان بی سی

لیست واقعا سیاه

سیاست ایران‌هراسی غرب در فیلمسازی نیز جریان دارد



مهدی یکه‌سادات

جام‌جم

ردینگتون، جنایتکاری بزرگ که خود را تسلیم اف بی آی می‌کند و در ازای ارائه اطلاعات درباره فهرستی از خطرناک‌ترین جنایتکاران دنیا که خودش تهیه کرده، درخواست مصونیت قضایی دارد. این درواقع، خط اصلی داستان «لیست سیاه» است؛ مجموعه‌ای تلویزیونی در ژانر جنایی - امنیتی که شبکه ان بی سی از سال ۲۰۱۳ در حال پخش آن است؛ سریالی که در واقع ملغمه‌ای است از سریال ۲۴ و هانیبال.

اما آنچه باعث شد در این یادداشت به سریال لیست سیاه بپردازیم، رویکرد ایران‌هراسی و سپاه‌هراسی است که این اثر در پیش گرفته و ظاهرا به یکی از اجزای مهم فیلمنامه این سریال تبدیل شده است که چندان هم غیرمنتظره نیست، چراکه شبکه ان بی سی یدطولایی در تحریف اخبار و ساختن گزارش‌های جعلی در جهت منفی نشان دادن چهره ایران دارد. این شبکه همواره در تولیدات خود با برجسته کردن نقش آمریکا به‌عنوان ناجی دنیا و ارائه چهره‌ای منفی از ایران در چارچوب دستیابی به بمب اتمی، دخالت در منطقه و حمایت از تروریسم، سعی در ایجاد ایران‌هراسی دارد تاجایی که حتی در زمان امضای برجام، مدعی شده بود توافق هسته‌ای می‌تواند صلح جهانی را به خطر بیندازد و خاورمیانه را با بدترین تنش‌ها مواجه سازد و صدالبته این نظرات را با ساخت فیلم‌ها و سریال‌های مختلف به خورد بینندگان خود می‌دهد.

در سریال لیست سیاه نیز این استراتژی از فصل سوم کلید می‌خورد: حضور یک مامور موساد به نام ثمر نوابی [با بازی مژان مارنو، بازیگر ایرانی‌الاصل] در گروه ویژه اف بی آی، بازمانده خانواده‌ای ایرانی که پدر و مادرش به‌دلیل همکاری با اسرائیل بدون محاکمه توسط نیروهای امنیتی کشته می‌شوند....

اما این همه ماجرا نیست، چراکه با پیش رفتن سریال متوجه می‌شویم زال بن‌حسن، برادر ثمر از فرماندهان سپاه قدس است. به‌زعم سازندگان این سریال، او به‌عنوان یک تروریست بین‌المللی قصد دارد ماموران - در سریال - مظلوم و بی‌گناه موساد را در آمریکا به قتل برساند و برای این‌که مخاطب سریال کاملا قساوت و سنگدلی نیروهای نظامی ایران را باور کند، در سکانسی دیگر افراد زال بن‌حسن با حمله به شرکت لازاروم، دانشمندان آمریکایی وابسته به رژیم صهیونیستی را کشته و در واقع داستان شهادت دانشمندان هسته‌ای ایران را وارونه و به نفع خود نمایش می‌دهند. سازندگان این مجموعه پا را از این فراتر گذاشته و حسن را به عنوان عامل بمبگذاری در یک جلسه مناظره روحانیون و دانشجویان معترض در زاهدان با ۴۱ کشته معرفی می‌کنند.

فاز بعدی ایران‌هراسی و سپاه‌هراسی در فصل هفتم اتفاق می‌افتد؛ استقرار پایگاه مخفی سی‌آی‌ای در زاهدان، عملیات یک پهپاد آمریکایی در خاک ایران، مخروبه و بدوی نشان‌دادن ایران و در نهایت چیزی که سریال به دنبال آن است؛ عملیات خرابکارانه‌ای را که تروریستی بدنام در خاورمیانه و مناطق مختلف جهان علیه ماموران و منافع آمریکا انجام می‌دهد، در اصل توسط نیروی قدس سپاه پاسداران صورت گرفته و آن تروریست بدنام در واقع ماموری آمریکایی است که ۳۰ سال پیش به دست ایرانی‌ها اسیر و بر اثر شکنجه و شست‌وشوی مغزی به یکی از فرماندهان سپاه قدس تبدیل شده است.

جون بوکنکامپ و جو کارنهان، کارگردان‌های مجموعه لیست سیاه همانند برخی اسلاف هالیوودی خود و با این‌که سعی کرده‌اند غیرمستقیم اهداف سیاسی خود را به مخاطب القا کنند، کاملا مبتدیانه عمل کرده‌اند و با کمی دقت این اهداف مشخص می‌شود؛ القای نفوذ و اشراف اطلاعاتی آمریکا در ایران، تروریست نشان‌دادن سپاه پاسداران و فاسد نشان‌دادن ماموران امنیتی ایران و بدوی نشان دادن جامعه ایرانی از اهداف سیاسی است که این سریال دنبال می‌کند. سازندگان این سریال چنان درباره استان‌های کردستان و سیستان و بلوچستان و به‌خصوص شهر زاهدان سیاه‌نمایانه داستان‌پردازی کرده‌اند؛ گویی ناامنی و نارضایتی در این دو استان به اندازه‌ای است که جو نظامی حاکم بر آن نیز نمی‌تواند آرامشی برقرار کند. صدالبته این نشان از ضربه سنگینی دارد که دستگیری و از هم پاشیدن گروهک ریگی به آمریکا و متحدان صهیونیست آن وارد آورد. تلاش سازندگان لیست سیاه و در مقیاسی بزرگ‌تر؛ این‌گونه آثار برای تحریف حقایق در جوامع مختلفی که زورگویی سردمداران صهیونیست آمریکا را برنمی‌تابند، چنان بر روح هنر سایه می‌اندازد که رسالت اصلی خود را فراموش کرده و تبدیل به تریبون سیاستمداران می‌شوند.

بدیهی است آثار هنری‌ای در دنیا موفق و ماندگار شده‌اند که توانسته‌اند فاصله خود را با اهداف و اغراض سیاسی حاکمان، نهادهای امنیتی و لابیگران حفظ کنند. این نکته مهمی است که متاسفانه سریال لیست سیاه با وجود بودجه گزافی که برای ساخت آن هزینه شده، نتوانسته به آن عمل کند و در ورطه سیاست‌بازی و سفارشی‌سازی گرفتار شده است.